

آزمون‌پذیری نظریه انقلاب جک گلدستون با انقلاب‌های تونس،

مصر

محمد جواد هراتی*

سعیده سلطانی مقدم^۲

۲۰۱



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دهم، شماره

اول، شماره پیاپی

سی و شش

بهار ۱۳۹۹

چکیده

ارزیابی تحولات انقلابی کشورهای جهان اسلام بر مبنای نظریه‌های مختلفی که پیرامون انقلاب ارائه شده، از موضوعات مهم و درخور توجه برای پژوهش است. مقاله با استفاده از نظریه جک گلدستون به عنوان یکی از نظریه‌های انقلاب، به ارزیابی میزان تطبیق این نظریه با انقلاب‌های مذکور در جهان اسلام می‌پردازد. هدف پژوهش حاضر پاسخ‌گویی به این سوال است که، چه میزان انقلاب‌های تونس و مصر با نظریه گلدستون با عنوان «الگوی فرایندی انقلاب» تطابق دارد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این دو انقلاب با مشخصه‌های مشترک شامل: اعتراضات و بسیج مردمی، ضعف دولت، فشارهای بین‌المللی، ائتلاف‌ها و مناقشات، ایدئولوژی و ملی‌گرایی، تطابق دارد اما با بخش تضاد نخبگان و جنگ و حکومت ترور تطابق ندارد. همچنین در بخش دستاوردهای انقلاب به نظر می‌رسد که این انقلاب‌ها هیچ دولت قوی بعد از انقلاب برسر کار نیامد و غرور ملی شکل نگرفت. اما هر دو انقلاب با مشکلات سیاسی، اقتصادی و نابرابری زیادی مواجه شدند.

واژگان کلیدی: انقلاب تونس، انقلاب مصر، نظریه جک گلدستون، الگوی فرایندی

۱. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه بوعلی سینا

* m.harati@basu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی دانشگاه همدان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۴

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دهم، شماره پیاپی سی و شش، صص ۲۰۱-۲۲۸

۱. مقدمه

تحولاتی که در سال ۲۰۱۱ در جهان عرب روی داد و منجر به براندازی نظام سیاسی در برخی کشورهای شمال آفریقا و یمن شد، سوالات فراوانی را پیش روی محققان و نظریه پردازان علوم اجتماعی، سیاسی و... قرار داد. پژوهشگران از زوایای مختلف به بررسی این تحولات پرداختند و سعی در فهم آن نمودند. با تعریفی که برخی صاحب‌نظران علوم اجتماعی از انقلاب دارند، می‌توان این تحولات را در ردیف گونه‌های انقلاب جای داد (هراتی، ۱۳۹۶: ۹). انقلاب تونس یک گونه خاص، از انقلاب بود که به نظر می‌رسد، نظریه‌های انقلاب پیش از خود را به چالش کشید. این انقلاب، «انقلاب یاسمن» نام گرفت و موجی از قیام‌ها موسوم به «بهار عربی» را در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا به راه انداخت (خیرالدین حسیب: ۲۰۱۶).

تا پیش از قرن حاضر، نظریه‌های متفاوتی از انقلاب مطرح گردید که مطالعه علمی و تطبیقی در مورد آن‌ها، به طور جدی پس از انقلاب ۱۹۲۱-۱۹۱۷ روسیه آغاز شد (گلدستون، ۱۳۸۵: ۱۵). اما وقوع انقلاب در کشورهای گوناگون، زمینه تجدیدنظر را در نظریه‌های موجود انقلاب، به وجود آورد. یکی از این نظریه‌ها، نظریه جک گلدستون است. این پژوهش در تلاش است تا به مطالعه تطبیقی انقلاب مصر و تونس بر اساس نظریه جک گلدستون بپردازد و سعی دارند عوامل و زمینه‌های بروز انقلاب در این کشور را مورد واکاوی قرار دهد. سؤالی که در این پژوهش در پی پاسخ گویی به آن هستیم، این است که نظریه جک گلدستون تا چه میزان بر انقلاب‌های ۲۰۱۱ تونس و مصر قابل تطبیق است؟

۲. ادبیات پژوهش

در خصوص پیشینه پژوهش باید گفت که مقاله بررسی مقایسه‌ای انقلاب اسلامی ایران و انقلاب مصر از فرزاد پورسعید که با نظریه فرایند انقلابی و نظریه فرصت سیاسی در چارچوب جنبش‌های اجتماعی به تبیین مسئله پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که «انقلاب اسلامی ایران فرصت سیاسی مناسبی برای جنبش انقلابی مصر فراهم نمود تا در زمانی کوتاه‌تر و با صرف هزینه‌ای کمتر به پیروزی برسد، اما درس‌گیری رژیم

مبارک، ارتش مصر و ایالات متحده از انقلاب ایران موجب شده است آنها در پی محدود کردن فرصت اسلام‌گرایان برای تسخیر کامل فضای سیاسی و گذر از اسلامگرایی اجتماعی به اسلامگرایی سیاسی باشند» (پورسعید، ۱۳۹۰: ۱۵۹).

مقاله بازانديشی در مورد انقلاب‌ها: ترکیب سرچشمه‌ها، فرایندها و برآیندها از جک گلدستون، ترجمه حمیرا مشیرزاده در سال ۲۰۰۹ و قبل از انقلاب‌های تونس و مصر به نگارش درآمده است. گلدستون در این مقاله بر این نظر است که انقلاب‌های رنگی احتمالا به شکل غالب انقلاب تبدیل می‌شوند و اگر جنبش‌های انقلابی برای براندازی حکومت‌های اقتدارگرای باقیمانده در چین و کوبا و مصر و افریقای جنوب صحرا در آینده شکل گیرد، بیشتر از نوع انقلاب‌های رنگی خواهد بود. همچنین گلدستون بر این عقیده است که انقلاب‌های آینده احتمالا دموکراسی‌های ضعیف به بار می‌آورند و نه رژیم‌های رادیکال اقتدارگرا (گلدستون، ۱۳۹۷: ۴۰۱-۴۰۲). پس از انقلاب‌های ۲۰۱۱، گلدستون پژوهشی را درباره این انقلاب‌ها انجام داد. وی در مقاله فهم انقلاب‌های ۲۰۱۱ معتقد است که «انقلاب‌های سال ۲۰۱۱ با چیز کاملاً متفاوتی مبارزه می‌کنند: دیکتاتوری سلطانی» (2011a). همچنین وی در مقاله ائتلاف‌های طبقه‌بندی شده و ساختن انقلاب‌های عربی ۲۰۱۱ بر این نظر است که انقلاب‌های شمال افریقا، توانستند ذیل ائتلافی میان طبقاتی، شکل بگیرند و این چیزی است که در تونس و مصر و لیبی رخ داد که طی آن دیکتاتورهای مدرن به زیر کشیده شدند. بنابراین، ائتلاف‌های طبقه‌بندی شده، نقش اصلی را در انقلاب‌های عربی ایفا کرد. به تعبیر دیگر، هدف مردم در این انقلاب‌ها، دستیابی به دموکراسی و بهبود شرایط اقتصادی بود که این مورد در انقلاب‌های ضد کمونیستی در اروپای شرقی و کشورهای بالتیک و در دوره‌های اولیه پس از انقلاب آمریکا و انقلاب کبیر در بریتانیا هماهنگ بود (2011b). کتاب مقدمه‌ای بسیار کوتاه بر انقلاب‌ها از جمله آخرین کتابهای گلدستون است که در سال ۲۰۱۴ چاپ شده است. به طور کلی این کتاب خلاصه مطالعات سی چند ساله گلدستون در حوزه انقلاب‌هاست و به این معنا می‌توان گفت چکیده و صورت بندی جدیدی از بیش از ده کتاب و صد مقاله اوست. در بخش از این کتاب با عنوان انقلاب‌های ۲۰۱۱ جهان عرب: تونس،

مصر، لیبی و سوریه به صورت مختصر به تبیین این انقلاب‌ها پرداخته است. اما صرفاً تا مرحله پیروزی انقلاب تونس و مصر اشاره کرده است (گلدستون، ۱۳۹۶: ۱۷۵ و ۱۷۹). هدف و غایت گلدستون در این آثار و آثار قبلی خود، توسعه سیاسی جریان مدرنیزاسیون است که می‌خواهد جنبش‌های دموکراتیزاسیون در کشورهای جهان سوم را به سوی لیبرال دموکراسی هدایت کند. نخست، انقلاب‌های جمهوری خواهی انگلیس و فرانسه و آمریکا را به منزله معیار طرح می‌کند. انقلاب‌های کمونیستی را ناقص معرفی می‌کند و حرکت‌های انقلابی در جهان دوم و سوم را به سوی استقرار نظام لیبرال دموکراسی هنجار قلمداد می‌کند. در غیر این صورت انقلاب‌های صورت گرفته در این کشورها را با پیامد ناموفق توصیف می‌کند. به عبارت دیگر، همه جریان‌های انقلابی صورت گرفته در جهان را به گونه‌ای مطالعه می‌کند که هنجار را همان حرکت مدرنیزاسیون و رسیدن به لیبرال دموکراسی توجیه کند و دیگر انواع حرکت‌ها را ناهنجار و ناموفق جلوه دهد (زاهدزاهدانی، ۱۳۹۲: ۸۸). فهم گلدستون از انقلاب را می‌توان از تعبیر او از انقلاب‌ها مورد اشاره قرار داد که چنین می‌گوید: «در واقع این‌ها همان دردهای زایمان نظم جدید هستند که عدالت اجتماعی را فراهم خواهد ساخت» (گلدستون، ۱۳۹۶: ۱۶).

مقاله تحلیل ناکامی اسلامگرایان النهضه در تونس از منظر نظریه‌های دولت شکننده، بحران آمریت و کارآمدی که به پیامد انقلاب در لیبی، مصر و تونس پرداخته است و در اولی به جنگ داخلی و در مصر، سقوط اسلامگرایان با مداخله ارتش در بستر نارضایتی‌های جمعی بود و در تونس، انقلاب به تشکیل حکومتی ائتلافی با حضور دو گروه میانه رو سکولار و اسلامگرایان میانه رو النهضه انجامید. اما حکومت ائتلافی در عمل به دولت شکننده مبدل شد و نتوانست به ثبات سیاسی، کارآمدی اقتصادی و خدماتی و سامان و نظم سیاسی بینجامد (سردارنیا و عمویی، ۱۳۹۵: ۱۳۹).

ولی این پژوهش که به صورت مقایسه‌ای دو انقلاب مورد نظر را براساس نظریه گلدستون مورد مطالعه قرار داده است، سعی دارد تا بدور از پیش فرض جریان مدرنیزاسیون مد نظر گلدستون به تبیین این انقلاب‌ها بپردازد.

۱. عنوان مقاله در متن «بحران مشروعیت و ناکامی اسلام گرایان النهضه در تونس» است.

۳. ادبیات پژوهش

گلدستون بر این عقیده است که هیچ الگوی واحدی و قاعده‌ای وجود ندارد که بتواند سرمشق همه انقلاب‌ها قرار گیرد و هیچ قاعده‌ای هم وجود ندارد که بگوید انقلاب‌ها چگونه خلق می‌شوند. وی بر این عقیده است که واژه انقلاب بر یک مجموعه گسترده و عام دلالت دارد و انقلاب‌های بزرگ در جزئیات فراوانی با هم اختلاف دارند و هنوز اندیشمندان درباره یک تعریف دقیق از انقلاب، اتفاق نظر ندارند. تعریف گلدستون از انقلاب عبارتند از: «انقلاب سیاسی فرایند تغییر در نهادهای دولت و اصولی است که بر آن بنا شده است و فروپاشی یا سرنگونی اقتدار دولت موجود را نیز در برمی‌گیرد. تغییرات در نهادها عمدتاً توسط مردانی صورت می‌پذیرد که در لوای آن دولت زندگی می‌کنند. آنان به این اعتقاد رسیده‌اند که ساختار دولت فعلی بر روی اصولی بی‌هوده و ناعادلانه بنا شده است و غیرقابل اصلاح است. این خود انگیزه‌ای برای اقدام و تغییر آن اصول است» (گلدستون، ۱۳۹۷: ۲۵۴) در نتیجه انقلاب سرنگونی قهرامیز یک حکومت از طریق بسیج عمومی چه در شکل غیز نظامی یا در شکل نظامی آن است که به نام عدالت اجتماعی صورت می‌گیرد تا نهادهای سیاسی جدیدی ایجاد نماید (گلدستون، ۱۳۹۶: ۱۹). البته این تعریف از پذیرش جهان شمول برخوردار نیست. گلدستون برای درک اینکه چرا انقلاب‌ها رخ می‌دهند، و چرا در بعضی از کشورها انقلاب صورت می‌گیرد و در برخی دیگر نه، این نظر را دارد که: «ما باید درک کنیم که جوامع چگونه عمل می‌کنند و چگونه ساختارهای مختلف آن‌ها باهم هماهنگ می‌شوند یا بر عکس متلاشی می‌گردند» (گلدستون، ۱۳۹۷: ۲۷۳). از منظر گلدستون تحلیل فرایندی انقلاب‌ها از ریشه‌های انقلاب آغاز می‌شود و تا پیامدهای آن ادامه می‌یابد. در این میان نیز آنچه که مهم است، تبیین چگونگی شکل‌گیری جنبش انقلابی اعم از ایدئولوژی، رهبر، نحوه برقراری ارتباطات یا منابع ارتباطی و مادی، ترکیب گروه‌های اجتماعی حاضر در جنبش انقلابی و شیوه کنش انقلابی، اعم از خشونت‌آمیز یا مسالمت جوست (پورسعید، ۱۳۹۰: ۱۶۵). در یک الگوی کلی، سیر انقلاب‌ها را از منظر گلدستون، می‌توان به ترتیب در موارد ذیل برشمرد: (۱) اعتراضات و بسیج مردمی (۲) تضاد نخبگان (۳) ضعف دولت (۴) فشارهای

۲۰۵

پژوهش‌های ارتباطی
روابط بین‌الملل

آزمون‌پذیری نظریه
انقلاب جی
گلدستون با
انقلاب‌های تونس،
مصر

بین‌المللی (۵) ائتلاف‌ها و مناقشات (۶) ایدئولوژی و ملی‌گرایی (۷) جنگ و حکومت
ترور (گلدستون، ۱۳۹۷: ۲۷۵-۲۸۴).



نمودار شماره ۱. مدل الگوی فرایندی گلدستون

گلدستون علل انقلاب‌ها را به علل ساختاری و علل گذرای انقلاب تقسیم می‌کند. منظور از علل ساختاری روندهای بلند مدت و پهن دامنه‌اند که نهادها و مناسبات اجتماعی موجود را تحلیل می‌برند. در عوض علل زود گذر و موقتی، حوادث یا اقدامات احتمالی از سوی افراد یا گروه‌های خاصی در نظر گرفته می‌شوند که تاثیر روندهای بلند مدت را نمایان می‌سازند و اغلب مخالفان انقلابی را بر می‌انگیزند تا اقدامات بیشتری انجام دهند (گلدستون، ۱۳۹۶: ۴۱).

علل ساختاری شامل موارد ذیل است: ۱. تغییرات جمعیتی ۲. تحول در الگوی حاکم بر مناسبات بین‌المللی ۳. توسعه نامتوازن اقتصادی یا وابسته ۴. ایجاد الگوی جدیدی از حذف یا اعمال تبعیض علیه گروه‌های خاص ۵. تکامل رژیم فردی. بر خلاف علل ساختاری که به تدریج و در طول سالها و دهه‌ها وضعیت تعادل ناپایدار را ایجاد می‌کنند، علل گذرا یا موقتی هستند که یک جامعه را به سمت بی‌ثباتی می‌کشاند. این حوادث می‌توانند شامل افزایش ناگهانی تورم به ویژه افزایش قیمت مواد غذایی، شکست در یک جنگ و شورش یا تظاهراتی باشد که اقتدار دولت را به چالش کشند.

علاوه بر این واکنش دولت به آن اعتراضات، می‌تواند خود باعث بروز اعتراضات بیشتری شود (همان: ۴۶).

۴. فرایند انقلاب در تونس

از علل ساختاری انقلاب تونس تغییرات جمعیتی است. به طور کلی جوامع عرب در مقایسه با تمامی مناطق دارای درآمد متوسط یکی از بالاترین نرخ های رشد جمعیت را دارد این وضعیت با خود یک انفجار عظیم جمعیت جوان خواهان پیشرفت را با خود به همراه آورد در حالی که همزمان زمین و آب در اختیار کشاورزان را با کاهش روبرو ساخت. اقتصاد در مصر، تونس، از الگویی که از سوی جمال عبدالناصر در دهه ۱۹۵۰ بنیان گذاشته، پیروی کرده بود. این الگو از طریق فراهم ساختن یارانه های سخاوتمندانه در بخش آموزش، غذا، سوخت و دیگر مایحتاج زندگی و ایجاد شغل برای دانش آموختگان دانشگاه، هدف کسب حمایت عمومی را دنبال می کرد. اما رشد سریع جمعیت به همراه بالاترین حد از وابستگی به واردات غلات در جهان، باعث گردید تا اجرای این برنامه ها برای کشورهای مزبور هزینه بر و غیر عملی شود. به همین دلیل در اوایل دهه ۱۹۹۰ حکومت های جهان عرب یارانه های را کاهش دادند و در سال ۲۰۰۸ به دنبال افزایش قابل توجه قیمت محصولات غذایی شورش های نان تونس و مصر را در برگرفت. این افزایش قیمت یک بار دیگر در سال ۲۰۱۰ رخ داد. این در شرایطی بود که افزایش دستمزدها برای اکثریت به مراتب پایین تر از افزایش قیمت ها بود. گرچه کشورهای عربی به دنبال جذب سرمایه بودند و تا حدودی موفق عمل کردند اما نتوانستند مشاغل کافی ایجاد کنند. به همین دلیل نرخ بیکاری در کشورهای عربی به بالاترین حد خود رسید (گلدستون، ۱۳۹۶: ۱۷۲). بر اساس گزارش بانک جهانی که در مارس ۲۰۰۸ منتشر شد، نرخ بیکاری در میان فارغ التحصیلان دانشگاه افزایش یافت. در سال ۲۰۰۷/۲۰۰۶ تعداد فارغ التحصیلان دانشگاه بیکار ۳۳۶،۰۰۰ نفر بود که در مقایسه با سال های ۱۹۹۶ / ۱۹۹۷ تقریباً سه برابر شده بود. یک نظرسنجی از حدود ۴۸۰۰ فارغ التحصیلان دانشگاه در سال ۲۰۰۵ نشان داد که تقریباً نیمی از مدرسان و تکنسین های بیکار هستند (الصوانی و لاریمونت، ۲۰۱۳: ۵۳).

۲۰۷

پیش روی
روابط بین الملل

آزمون پذیری نظریه
انقلاب جکی
گلدستون با
انقلاب های تونس،
مصر

پس از اصلاحات بن علی، تونس دسترسی گسترده و بیشتری به اروپا یافت. با این حال، ثروت در دست ثروتمندان متمرکز و عمدتاً در دست بن علی، خانواده‌اش و نزدیکترین همکارانش بود (Thorne: 2011). در نتیجه فساد و تمرکز ثروت، گروه‌های گسترده‌ای از مردم تونس در زیر فقر زندگی می‌کردند. فساد گسترده بدون شک بارزترین ویژگی حکومت بن علی محسوب می‌شود. روابط فامیلی با خانواده بن علی و فساد گسترده در میان آنها به گونه‌ای بوده که از آن تحت عنوان نهاد فساد در هزار فامیل تونس نام برده شده است (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۲۸). فساد گسترده در کنار آزار و اذیت پلیس و نهادهای امنیتی نقش موثری در گسترش زمینه‌های نارضایتی و در نتیجه اعتراضات سیاسی در این کشور داشته است به گونه‌ای که بسیاری از مطالبات معترضان تونسی در وقایع اعتراضی بر ریشه کنی فساد در کشور تمرکز داشته است (همان: ۳۰). علل این امر را باید در حکومت اقتدارگرایی حکومت بن علی جستجو کرد که همه چیز را کنترل می‌کرد. رژیم بن علی را باید در زمره نظام‌های سیاسی تک‌حزبی با رقابت محدود طبقه‌بندی کرد (Blaydes, 2011: 226). این رژیم اقتدارگرا، مخالف انتخابات بود و رسانه‌ها را کنترل و مخالفان را تهدید می‌کرد به این ترتیب واضح است که بن علی از طریق حکومت طولانی خود و اقدامات ناعادلانه، سقوط خود را حتمی کرد (Fuhrer, 2013: 37). سرکوب نارضایان سیاسی، فقدان آزادی، بیان و مطبوعات، شکنجه مخالفان، کنترل گسترده دولت بر رسانه‌های ارتباطی مانند: اینترنت، تعرض به حقوق فردی و اجتماعی مردم و خشونت پلیس بدون شک مهمترین ویژگی سیاست دوران بن علی بوده است. علاوه بر این دیکتاتوری بن علی، وهن‌آمیز بود. رسانه‌های دولتی سرشار از تملق و کیش شخصیت رئیس جمهور بود و عکس‌های او همه جا به چشم می‌خورد (penner angrist: 2011). در دوران بن علی ممنوعیت‌های فراوانی برای جریانات سیاسی وجود داشت و عملاً شدیدترین سرکوب‌ها علیه اسلام‌گرایان به کار می‌رفت، گذشته از این سکولاریسم در سیاست‌های فرهنگی، آموزشی و تبلیغاتی و همچنین قوانین این کشور مشهود بود (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۳۱).

زمانی که بن علی اتکا به رشد گسترده اقتصادی یا سیاست اعطای یارانه‌ها برای حفظ حمایت عمومی از رژیم خود را دشوارتر از قبل دید، پلیس او روز به روز رویه

های مداخله گرایانه تر و تحکیم آمیزتری در پیش گرفت. تا اینکه یک سبزی فروش به نام محمد بو عزیزی را مورد آزار و اذیت قرار داد (گلدستون، ۱۳۹۶: ۱۷۳). این عمل پلیس باعث شد تا وی خود را جلوی ایستگاه پلیس آتش زند. خودسوزی محمد بو عزیزی جوان تونسی در ۲۶ آذر ۱۳۸۹ همچون جرقه‌ای در انبار باروت خشم و نارضایتی مردم این کشور از سیاست‌های دولت بن علی را شکل داد. محمد بو عزیزی مرد جوانی که خود را به آتش کشید در واقع فارغ‌التحصیل دانشگاه بود و مثل بسیاری دیگر قادر نبود کاری مناسب پیدا کند. او سعی کرده بود با فروش میوه و سبزیجات امرار معاش کند؛ اما وقتی پلیس جلوی دستفروشی بدون جوازش را گرفت، این کار هم غیرممکن شد و تصمیم به خودسوزی گرفت و چند هفته بعد درگذشت. این حادثه به موج از تظاهرات و شورش انجامید (خیرالدین حسیب: ۲۰۱۶). با گسترش ابعاد تظاهرات و برخوردهای خشن پلیس و نیروهای امنیتی، شعارها و مطالبات نیز اندک اندک تغییر یافت و علاوه بر طرح خواسته‌های اقتصادی رنگ و بوی سیاسی نیز پیدا کرد (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۳۲).

ابزارهای مردم تونس برای بحث و برنامه‌ریزی و عمل، رسانه‌ها بودند. رسانه‌ها نقش مهمی در موفقیت و بسیج مردم تونس ایفا کردند. نقش رسانه‌ها به حدی در این انقلاب پررنگ بود که برخی آن را انقلاب فیس بوک نامیدند؛ چراکه فیس بوک منبع اصلی پوشش خبری از وقایع اصلی انقلاب بود (Fuhrer, 2013: 41). علاوه بر فیس‌بوک، توئیتر و شبکه الجزیره نیز در خبر رسانی و سازماندهی اعتراضات نقش اساسی داشته‌اند (احمدیان: ۱۳۹۰). هکرها نیز وب سایت‌های دولتی را هدف قرار دادند (Goldstone, 2011b). بنابراین اینترنت یک ابزار بسیار قدرتمند برای ارتقاء روحیه، ایده‌ها و فعالیت‌های انقلابی بود. تونس کشور آفریقای شمالی با بیشترین تعداد از کاربران اینترنت، حدود ۳,۶ میلیون بود (Ryan, 'How Tunisia's revolution began').

تونس در سال‌های حکومت بن علی همواره روابط نزدیکی با کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده و فرانسه داشت. با این حال با گسترش بحران تونس کشورهای غربی از حمایت از بن علی دست کشیدند و عملاً پذیرای تحولات این کشور

شدند (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۴۲). در نتیجه جهان غرب از اینکه به قیام معترضان جوان علیه دیکتاتوری کمک کند ابراز خرسندی می‌کرد.

در اوایل ژانویه ۲۰۱۱ این موضوع کاملاً روشن شده بود که تنها امید بن علی برای تداوم قدرت استفاده از ارتش برای برقراری مجدد نظم و آرامش است. اما ژنرال رشید عمار (رئیس ستاد مشترک ارتش) به بن علی متذکر گردید که ارتش نیروی حرفه‌ای است و به سمت شهروندان تونس شلیک نخواهد کرد و در کمتر از یک ماه بن علی و خانواده اش به عربستان سعودی فرار کردند (گلدستون، ۱۳۹۶: ۱۷۵).

به نظر می‌رسد انقلاب در تونس بدون داشتن دوران حکمرانی تندروها و عصر وحشت مد نظر گلدستون، در همان دوره میانه‌روها باقی مانده است. انقلاب در این کشور هیچ نبرد خونینی نداشت (Schiller: 2011). حزب النهضة یکی از احزاب میانه‌رو تونس بود که در وقایع بعد از انقلاب نقش موثری را ایفا نمود. یک مطالعه در ژوئن ۲۰۱۱ نشان داد که حمایت از حزب النهضة حدود ۳۰ درصد و حدود سه برابر نزدیکترین رقیبش بوده است (Lynch: 2011) در انتخابات مجلس موسسان این حزب موفق به کسب اکثریت آراء شد و از نظر فکری به میانه‌روی و تساهل معروف است و از دموکراسی چند حزبی، حقوق شهروندی و آزادی اندیشه حمایت می‌کند (Newyork Times: May, 10, 2011). این حزب الگوی خود را حزب عدالت و توسعه ترکیه معرفی می‌کند (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۳۷). حزب کنگره برای جمهوری در انتخابات با کسب ۲۹ کرسی پس از النهضة بیشترین کرسی را به دست آورد که سوسیال دموکرات با گرایش‌های میانه‌رو بود و بر دفاع از آزادی بیان، آزادی انجمن‌ها و انتخابات آزاد تأکید می‌کند (همان: ۴۰). در نتیجه انقلابیون در تونس با دشمنان مسلح روبرو نشدند و خود را در یک جنگ خارجی یا داخلی یا هر دو آنها درگیر نیافتند.

۵. فرایند انقلاب در مصر

مصر نیز همچون تونس، رشد اقتصادی نسبتاً بالایی را در سال‌های قبل از انقلاب تجربه کرده بود. اما شرایط زندگی برای مصریان به غیر از طبقه نخبه، به طور متوسط ضعیف بوده و موجب نارضایتی عمومی شده بود (Fuhrer, 2013; 60). مصریان در سال‌های

منتهی به ۲۰۱۱ با چالش‌هایی چون بیکاری و فقر گسترده مواجه بودند. برخی تحلیلگران اوضاع اجتماعی مصر در سال‌های اخیر، بر نهادینه شدن فساد، رشد معنادار میزان جرایم، بی‌اعتنایی عمیق به کرامت انسانی و افول ارزش‌های اجتماعی تأکید کرده‌اند. گذشته از این، هزاران کودک پنج یا ۶ ساله در کوچه‌های و گوشه‌کنارهای شهر و در زیر پل‌ها زندگی می‌کردند و به دست‌فروشی در کنار چهارراه‌ها مشغول بودند، همگی فقر، استثمار، بی‌عدالتی و بدرفتاری را در جامعه مصر نمایان‌تر می‌کرد (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۵۲-۵۳). در نتیجه مردم مصر در آستانه انقلاب، در شرایط دشوار اقتصادی قرار داشتند (Osama, 2010: 196- 198). همچنین نرخ بیکاری در میان جمعیت زیر ۳۰ سال بنا به آمارهای رسمی ۲۱ درصد، شرایط وضعیتی دشوار اقتصادی را در این کشور ایجاد کرده بود (ibid: 199). فساد اقتصادی گسترده در مصر، یکی دیگر از بسترهای شکل‌گیری نارضایتی انقلابی در مصر بود. فساد گسترده در میان خانواده مبارک و نخبگان وابسته بسیار گسترده بود و گفته می‌شود که این خاندان ثروت نجومی را در اختیار داشتند و ۳۹ مسئول بلندپایه یا تجار نزدیک به جمال مبارک، پسر مبارک، هرکدام بیش از یک میلیارد دلار ثروت اندوخته‌اند (Goldeston: 2011b) در مجموع، به مواردی از خصوصیات دولت اقتصادی مبارک می‌توان اشاره نمود که عبارت‌اند از: خودداری دولت از سرمایه‌گذاری مستقیم در بخش صنعت و کشاورزی، اکتفا به توسعه زیربنای اساسی، آزادسازی قیمت‌ها و بازار مالی، خصوصی‌سازی بخش عمومی از طریق فروش بخش عمومی به سرمایه‌داران محلی و خارجی (مسعودنیا و سعیدی حیزانی، ۱۳۹۱: ۱۷۳). علل این امر را همچون انقلاب تونس می‌بایست در حکومت اقتدارگرای حکومت حسنی مبارک جستجو کرد. حکومت فردگرایی و استبدادی، از جمله ویژگی‌های اساسی نظام سیاسی کشور مصر در دوره حسنی مبارک به‌شمار می‌رفت و نتیجه منطقی چنین وضعیتی، شخصی‌شدن حکومت و عدم جابه‌جایی قدرت بود (مسعودنیا و سعیدی حیزانی، ۱۳۹۱: ۱۶۷). در کنار تمرکز قدرت سیاسی و دموکراسی ظاهری در مصر، برخی تحلیلگران فرسودگی حکومت و عدم‌گردش نخبگان را به‌عنوان مهم‌ترین علل جنبش انقلابی در این کشور می‌دانند و براساس این دیدگاه، پیش از انقلاب، تمامی کسانی که زمام امور را به‌دست داشتند، در سن بالایی به‌سر می‌بردند. سه دهه حکومت بلامنازع

مبارک بر این کشور موجب شده بود که اکثر مردم او را مسئول بلامنازع رنج‌ها و مشکلات خود تلقی کنند. بسیاری از نویسندگان معروف روزنامه‌های مخالف دولت یا نویسندگان ناشناس مجلات دانشگاهی این کشور، مبارک را علت عقب‌ماندگی و فساد کشور تلقی می‌کردند و حکومت مصر از نظر بسیاری از مردم برای حل مشکلات جامعه، ناکارآمد به نظر می‌رسید (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۴۷-۴۸).

در ۱۷ ژانویه ۲۰۱۱، یک مرد مصری نیز در نزدیکی ساختمان پارلمان قاهره ایستاد و به دلیل ناتوانی در دریافت کوپن‌های نان ماهانه، خود را سوزاند که همچون دیگر جوانان محروم مصری از سوء استفاده سیاسی و ساختاری رنج می‌برد. این اقدام احتمالاً الهام گرفته از نمونه البوازی در تونس بود که فقط یک ماه پیش رخ داد (Revolution in Egypt. 2012. Los Angeles Times). با این حال، برخی دیگر از متخصصان معتقدند که این اقدام انقلابی، مصر را مستقیماً تحریک نکرد، زیرا خودسوزی البوازی در تونس انجام گرفت. مردم در تاریخ ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱، که احتمالاً الهام گرفته از نتیجه مثبت انقلاب تونس بود، به اعتراض در برابر فقر، بیکاری، فساد و حکومت خودکامه رئیس‌جمهور مصر، حسنی مبارک، که بیش از سی سال حکومت کرده بود، گرد هم آمدند (Fuhrer, 2013: 51) و مرگ جوان ۲۸ ساله بنام خالد سعید که در اثر ضرب و شتم پلیس کشته شد، جرقه‌ای برای شکل‌گیری اعتراضات انقلابی بود. خالد سعید در هنگامی که در کافی‌نت در حال انجام کار خود بود، براساس قانون فوق‌العاده مورد تفتیش و ضرب و شتم قرار گرفته و کشته شد (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۵۵).

در انقلاب مصر همچون تونس، شبکه‌های اجتماعی از طریق تسهیل و تسریع ارتباطات میان معترضین و هماهنگی میان آن‌ها، تدوین برنامه‌ها، شکل‌دهی و جهت‌دهی به تجمعات معترضین، نقش شتاب دهنده‌ای در آن ایفاء کردند (نورمحمدی و محمدی، ۱۳۹۲: ۱۳۹). جوانان مصری با بهره‌گیری از اینترنت و تلفن تلاش داشتند با جامعه معترضین تماس بگیرند. در انقلاب مصر بیش از ۲۰ میلیون نفر از اینترنت استفاده کردند. ۴۲ میلیون نفر تلفن همراه داشتند. در مصر ۱۶۲ هزار بلاگر فعال بودند که اکثرشان هم جوانان و در طول عمرشان جز مبارک، رئیس‌جمهوری ندیده‌اند. اینترنت برای این جوانان راه تازه‌ای گشود و انقلاب مصر و موج اعتراضات در این کشور با

فرآخوان تجمع در روز ۲۵ ژانویه در صفحه "کلنا خالد سعید" به عنوان روز انقلاب بر ضد فقر و فساد و بیکاری مصر در فیس بوک آغاز شد (حمیدی، ۱۳۹۰: ۱۵-۱۶).

فشارهای بین‌المللی در مصر از طریق ارتش صورت می‌گرفت. ارتش مصر بر مبنای قرارداد کمپ دیوید، سالانه کمک‌های مالی قابل توجهی را بطور مستقیم از ایالات متحده دریافت می‌کند که براساس آن می‌تواند نوعی از استقلال نسبی برخوردار شود. این ویژگی باعث شد هم فرماندهی ارتش مصر و هم ایالات متحده، بر خلاف مبارک، چاره کار را اعلام بی‌طرفی ارتش از همان روزهای نخست ببینند (پورسعید، ۱۳۹۰: ۱۷۴).

رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده یعنی اوباما از مبارک با تسلیحات و پول حمایت کرد. چون شخصی شدن حکومت در مصر بر پایه وابستگی به ایالات متحده شکل گرفته بود (همان: ۱۷۸) و به رغم اتحاد استراتژیک مصر با آمریکا، ایالات متحده دخالت جدی و فراگیر برای حفظ مبارک نکرد. فشار آمریکا به حسنی مبارک برای انجام اصلاحات از دوره بوش پدر و رویداد ۱۱ سپتامبر آغاز شد و نتیجه آن را باید در انتخابات ۲۰۰۵ پارلمان مصر که در فضای نسبتاً باز سیاسی برگزار شد و در نتیجه آن بیش از ۸۰ کاندیدای مستقل اخوان المسلمین به مجلس راه یافتند. با این حال اوباما پنج روز پیش از سقوط مبارک، به صراحت اعلام نمود ایالات متحده از خواسته‌های مردم مصر پشتیبانی می‌کند و مبارک باید هرچه سریعتر روند انتقال قدرت را انجام دهد. که به نظر می‌رسد این تغییر سیاست، بیش از هرچیز به درس‌گیری ایالات متحده و به ویژه حزب دموکرات این کشور از انقلاب اسلامی ایران بازمی‌گشت (همان: ۱۸۲). هم ایالات متحده و هم ارتش مصر، تلاش کردند تا راه مسالمت‌آمیزی برای گذار پیدا کنند. در نهایت ارتش مبارک را از قدرت خلع کرد و پس از خلع وی شورای عالی نیروهای مسلح، حکومت را در دست گرفت و به مردم وعده داد تا به محض برگزاری انتخابات جدید ریاست جمهوری و مجلس قدرت را به غیر نظامیان بازگرداند (گلدستون، ۱۳۹۶: ۱۷۹).

جدول شماره ۱. تطبیق الگوی فرایندی انقلاب تونس و مصر

الگوی فرایندی انقلاب	تونس	مصر
اعتراضات و بسیج مردمی	در انقلاب تونس، خودسوزی محمذبوعزیزی جوان تونس در ۲۶ آذر ۱۳۸۹ همچون جرقه‌ای در انبار باروت خشم و نارضایتی مردم این کشور از سیاست‌های دولت بن علی بود	مرگ جوان ۲۸ ساله بنام خالد سعید که در اثر ضرب و شتم پلیس کشته شد، جرقه‌ای برای شکل‌گیری اعتراضات انقلابی مصر بود
تضاد نخبگان	در نتیجه نارضایتی اقتصادی از سوی طبقه غیرحاکم و نخبگان، نقش مؤثری در شکل‌گیری جنبش انقلابی تونس داشته است و این برخلاف نظر گلدستون بود که عقیده داشت انقلاب تغییر از سوی افرادی است که صاحب درآمد هستند و نه فقیران و بی‌خانمان‌ها.	در نتیجه نارضایتی اقتصادی از سوی طبقه غیرحاکم و نخبگان، نقش مؤثری در شکل‌گیری جنبش انقلابی مصر داشته است و این برخلاف نظر گلدستون بود که عقیده داشت انقلاب تغییر از سوی افرادی است که صاحب درآمد هستند و نه فقیران و بی‌خانمان‌ها.
ضعف دولت	رژیم بن علی را باید در زمره نظام‌های سیاسی تک‌حزبی طبقه‌بندی کرد	در مصر فردگرایی و استبداد از جمله ویژگی‌های اساسی نظام سیاسی آن کشور در دوره حسنی مبارک به‌شمار می‌رفت و نتیجه منطقی چنین وضعیتی، شخصی‌شدن حکومت و عدم جابه‌جایی قدرت بود
فشارهای بین‌المللی	تونس در مقایسه با کشورهای چون مصر و سوریه و بحرین اهمیت استراتژیک چندانی برای غرب نداشته است اما با گسترش بحران کشورهای غربی، علی‌رغم روابط نزدیکی با کشورهای غربی، از حمایت وی دست کشیدند و عملاً پذیرای تحولات این کشور شدند.	اوباما پنج روز پیش از سقوط مبارک، به صراحت اعلام نمود ایالات متحده از خواسته‌های مردم مصر پشتیبانی می‌کند و مبارک باید هرچه سریع‌تر روند انتقال قدرت را انجام دهد
ائتلاف‌ها و مناقشات	در تونس شورش با شهروندان روستایی آغاز و به دانش‌آموزان در پایتخت گسترش یافت. اقدامات و همکاری مشترک کارگران، دانشجویان، وکلا و معلمان، اتحادیه‌های اسلام‌گرا و کارگری، شهروندان روستایی و ساکنان شهرهای بزرگ باعث پیروزی انقلاب شد.	جوانان، گروه‌های کارگری، دانشجویان، مغازه‌داران شهر، متخصصین، اسلام‌گرایان، همه در انقلاب سهم بودند به عبارت دیگر دانشجویان و فعالان کارگری از ابتدا با یکدیگر متحد شدند و سپس گروه‌های دیگر به آن‌ها پیوستند

ایدئولوژی و ملی‌گرایی	ائتلاف‌های وسیع در تونس، بیش از آنکه علت اقتصادی، مذهبی یا ناسیونالیستی، داشته باشد، یک خشم مشترک به دیکتاتوری بن علی بود.	این ائتلاف‌های وسیع، بیش از آنکه علت اقتصادی، مذهبی یا ناسیونالیستی، داشته باشد، یک خشم مشترک به دیکتاتوری حسنی مبارک بود.
جنگ و حکومت ترور	به نظر می‌رسد انقلاب در تونس بدون داشتن دوران حکمرانی ترور پس از انقلاب باشد.	به نظر می‌رسد انقلاب مصر بدون تجربه حکومت ترور و دوره وحشت، ترمیدور را با روی کار آمدن دیکتاتور السیسی تجربه کرده است.

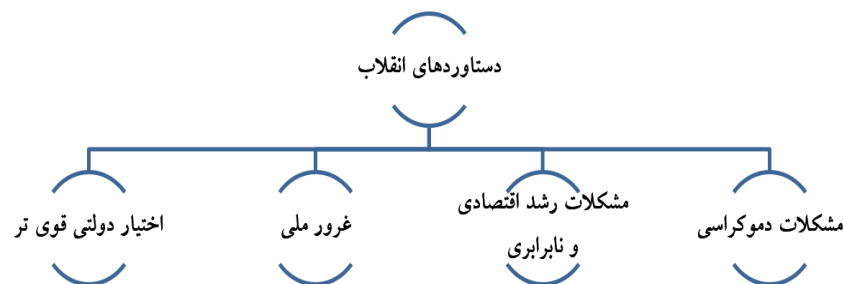
۲۱۵



آزمون‌پذیری نظریه
انقلاب جک
گلدستون با
انقلاب‌های تونس،
مصر

۶. دستاوردهای انقلاب تونس و مصر

گلدستون یک مرحله دیگر را برای انقلاب‌ها در نظر می‌گیرد و آن دستاوردهای انقلاب است که شامل تغییر در نهادها، نگرش‌ها، روابط ژئوپولیتیک و سازماندهی اقتصادی است (گلدستون، ۱۳۹۷: ۲۸۴). دولت قویتر، متمرکزتر و دولت بوروکراتیک، همچنین تلاش دولت برای دستیابی به رشد اقتصادی و یا صنعتی شدن (گلدستون، ۱۳۸۵: ۲۹). وی دستاوردهای انقلاب را در میزان اثر بخشی تغییری که تولید می‌کنند متفاوت می‌داند، اما چند تعمیم را برای آنها قائل است:



نمودار شماره ۳. دستاوردهای انقلاب

۶-۱. اختیار دولتی قوی‌تر

گلدستون عقیده دارد که انقلابیون پس از قدرت‌گیری، معمولاً منابع را جذب می‌کنند و مالیات را افزایش می‌دهند و حجم دولت را به میزان قابل توجهی گسترش می‌دهند. از سوی دیگر دولتی‌های انقلابی جدید تمایل بیشتری به قدرت نظامی و تهاجمی دارند و

همچنین می‌خواهند از لحاظ اقتصادی و از نظر حمایت سیاسی قوی‌تر از دولت‌های باشند که جایگزین آنها شده‌اند (گلدستون، ۱۳۹۷: ۲۸۵). برای بررسی این مرحله باید به وقایع پس از رویداد انقلاب تونس و مصر پرداخت.

چند ساعت پس از خروج زین العابدین بن علی، محمد الغنوشی، نخست وزیر تونس اعلام کرد براساس ماده ۵۶ قانون اساسی، رئیس جمهور موقت تونس می‌باشد. این امر با اعتراضات گسترده‌ای مواجه و در نتیجه در ۱۵ ژانویه اعلام شد براساس ماده ۵۷ قانون اساسی، فؤاد المبنغ، رئیس پارلمان این کشور، رئیس جمهور موقت تونس شد. وی نیز محمد الغنوشی را مأمور تشکیل کابینه کرد. اما اعتراضات مردمی به خصوص پس از اعلام دولت وحدت ملی الغنوشی ادامه یافت. خواسته اصلی معترضان حذف کامل چهره‌های سیاسی دوره بن علی از جمله شخص محمد الغنوشی بود (احمدیان، ۱۳۹۰). از سوی دیگر، جنبش‌های سلفی تندرو، که تحت حمایت عربستان قرار داشتند، در این کشور رشد یافتند و فعالیت آن‌ها ناامنی‌های گسترده‌ای در تونس ایجاد کرد (خبرگزاری فارس، ۱۵ بهمن ۱۳۹۱). پس از کشته شدن نمایندگان پارلمان «شکری بلعید» و «محمد براهمی» توسط گروه‌های سلفی، میانه‌روها روش خود را تغییر دادند و اعلام کردند: «هرکس قانون را نقض کند و به مردم و دارایی‌ها تجاوز نماید، باید بدون در نظر گرفتن وابستگی سیاسی‌اش مجازات شود» (گروه نویسندگان: ۱۳۹۳). با کناره‌گیری الغنوشی، دولت موقت تونس به ریاست باجی سیدالسبسی ۸۴ ساله شکل گرفت. السبسی به خاطر استقلال عمل و سابقه حرفه‌ای، مورد احترام مردم بود (Schiller: 2011) و به عنوان وزیر امور خارجه در دوران حبیب بورقیه فعالیت می‌کرد. السبسی کابینه‌ی خود را «کابینه‌ی تکنوکرات‌ها» نامید که هیچ عضوی از رژیم گذشته در آن حضور نداشت (طالبی، ۱۳۹۱: ۲۴۶).

در مصر نیز پس از مبارک، شورای عالی نظامی به ریاست ژنرال طنطاوی، مدیریت تحولات و امور کشور را برعهده گرفت. شورای عالی نظامی به سرکوب مردم دست نزد، تلاش نمود به مردم اطمینان دهد که خواست آنان را تحقق خواهد بخشید و زمینه برگزاری انتخاب آزاد را فراهم خواهد نمود. همچنین نظامیان با

اتخاذ سیاست مماشات و همراهی با انقلاب، رویکردی را پیش گرفتند که کمترین تزاخم را با نیروهای انقلابی داشته باشند و در تحولات سیاسی کمترین آسیب به آنها وارد شود (هراتی، ۱۳۹۶: ۱۱۷).

نظامیان با رد صلاحیت کاندیدای اصلی جریان اخوان المسلمین، یعنی خیرات شاطر، تلاش نمودند تا مانع از پیروزی اسلام‌گرایان شوند. اخوانی‌ها نیز مرسی را به عنوان نامزد انتخاباتی معرفی کردند. در مقابل نظامیان، احمد شفیق را به عنوان نامزد خود در انتخابات معرفی کردند. در نهایت در یک رقابت نزدیک بین مرسی و شفیق، اولی به پیروزی رسید (هراتی و ظفری، ۱۳۹۲: ۱۵۱). ارتش موفق شد تمام گروه‌های مقابل اسلام‌گرایان به همراهی دو گروه اقلیت قبطی‌ها و صوفی‌ها مصر و همه ساختارهای اداری این کشور را علیه دولت مرسی بسیج کند. در مدت ناآرامی‌های دو ماه، ارتش قادر نبود در مقابل موافقان مرسی بایستد لذا سعی کرد به تقویت جبهه نجات ملی بپردازد. اقدام معارضین در این مقطع باعث تشدید فقر و توسعه ناامنی در مصر شد (هراتی، ۱۳۹۶: ۱۱۸). در نتیجه در شبانگاه سوم ژوئیه ۲۰۱۳ ارتش مصر با ادعای حفظ انقلاب و جلوگیری از انحراف آن قدرت را در دست گرفت و با دستگیری محمد مرسی و تعداد زیادی از افسران و رهبران اخوان المسلمین در مصر تعلیق قانون اساسی و منحل نمودن مجلسین، عدلی منصور را به عنوان رئیس جمهور موقت معرفی نمود (نجات، ۱۳۹۴: ۱۰۸). کابینه‌ای که توسط نظامیان و با توافق اکثر گروه‌های سیاسی سکولار و حزب سلفی نور تشکیل شد، بازگشت طرفداران وضع سابق مصر بود (مرشی‌زاد و محمدی، ۱۳۹۷: ۶۹). در نتیجه به نظر می‌رسد برخلاف نظر گلدستون، بر اثر اختلافات پیش آمده بین انقلابیون، هیچ دولت قوی بعد از انقلاب برسر کار نیامد و این امر در مشکلات سیاسی و اقتصادی که در ادامه بدان خواهیم پرداخت اشاره خواهد شد.

۲-۶. غرور ملی

گلدستون معتقد است شهروندان در دولت انقلابی جدید مملو از حس افتخار برای استقلال و عزم و اراده خود هستند. این غرور ملی می‌تواند حکومت انقلابی را برای

مدتی طولانی پس از آنکه شروع به رفع مشکلات اقتصادی و سیاسی کرد، پایدار نگه دارد (گلدستون، ۱۳۹۷: ۲۸۵).

به نظر می‌رسد با توجه به مشکلات اقتصادی و سیاسی پیش آمده که در ادامه بدان خواهیم پرداخت، این انقلاب‌ها حس غرور ملی شکل نگرفت، چرا که هیچکدام با جنگ داخلی و یا خارجی مواجه نشدند و بیشتر درگیر مسائل سیاسی و اقتصادی گشتند.

۳-۶. مشکلات رشد اقتصادی و نابرابری:

متأسفانه انقلاب‌ها نمی‌توانند مشکلات اقتصادی، مسئله رشد و کاهش نابرابری را حل کنند (گلدستون، ۱۳۹۷: ۲۸۶). همانطور که گلدستون اشاره کرده است مردم تونس و مصر پس از بن علی و مبارک دیکتاتور مخلوع این کشورها، امید زیادی برای حل و فصل بسیاری از مشکلات اقتصادی، اجتماعی و امنیتی کشور داشتند. اعتراضاتی که پس از این انقلاب‌ها جریان داشت بیش از هرچیز منشا اقتصادی داشت. در واقع، فاسد در تونس و مصر حل نشده و بیکاری همچنان در رقم دو رقمی باقی مانده است. مردم به خصوص درباره سرکوب و عدم وجود حقوق سیاسی شکایت دارند. فساد و بیکاری در هر دو کشور همچنان افزایش می‌یابد و به مراتب بالاتر از میانگین ۱۸ ساله است. (Mourdoukoutas 2017). دولت تونس به دلیل مشکلات اقتصادی، باید کسب و کار و سرمایه‌گذاران را ثبات دهد، بودجه و کسری حساب جاری را تامین و تحت کنترل درآورد، نظام مالی کشور را خنثی کند، بیکاری بالا و تفاوت‌های اقتصادی میان منطقه ساحلی توسعه یافته و فقیر داخلی را کاهش دهد (Tunisian Economy 2012).

نمودار زیر رتبه‌بندی فساد و نرخ بیکاری و سهولت فعالیت اقتصادی و میانگین آنها را بین سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶م، به نمایش می‌گذارد.

جدول شماره ۲. میانگین رتبه بندی فساد، نرخ بیکاری و سهولت اقتصادی

Year (سال) تونس	Corruption Ranking (رتبه بندی فساد)	Unemployment Rate (نرخ (%) بیکاری)	Ease of Doing Business (سهولت فعالیت اقتصادی)
2010	59/175	12.8	40
2016	75	15.5	77
1998-2016 Average (میانگین)	54.74	10.89	61.67
Year مصر	Corruption Ranking	Unemployment Rate (%)	Ease of Doing Business
2010	98/175	10.1	110
2016	108	12.6	122
1996-2016 Average	84.95	10.89	118.78

منبع: Tradingeconomics.com 5/16/17

در نهایت این انقلاب‌ها با وجود دستاوردهای خوبی برای مردم تونس و مصر داشت، هنوز نتوانسته است بسیاری از مشکلات و دغدغه‌های فکری مردم را حل کند. مردم تونس هنوز هم از برخی شرایط حاکم بر کشورشان ناراضی هستند و امید به حل مشکلات در این زمینه‌ها هستند.

۱. افزایش قیمت برخی کالاهای اساسی.

۲. افزایش بیکاری.

۳. پس از انقلاب، تروریست‌ها، به گردشگران در این کشور حمله کردند که موجب فرار گردشگران از تونس شد و این در حالی بود که صنعت گردشگری سودآوری زیادی برای تونس و مصر داشت و شمار زیادی از مردم این کشور در این بخش مشغول فعالیت بودند.

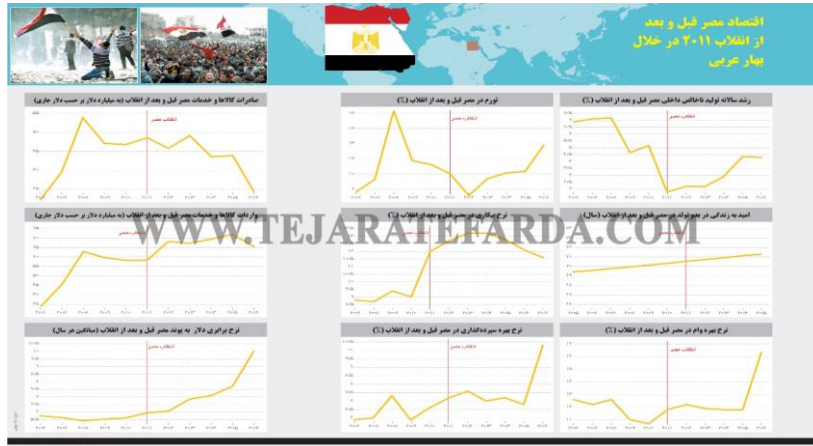
۴. علاوه بر این، تحصن‌ها و تجمع‌ها و اعتراض‌های پیاپی نیز در برخی بخش‌های اقتصادی این کشور مانند تولید فسفات و نفت تاثیر منفی برجا گذاشته است.

۵. گسترش فساد یکی دیگر از مشکلاتی که تونس همانند بسیاری دیگر از کشورها از آن رنج می‌برد، فساد است. باید توجه داشت که یکی از انگیزه‌ها و دلایل مردم برای قیام ضد نظام بن علی، گسترش فساد در این کشور بود. شوقی الطیب رئیس هیات مبارزه با فساد تونس پیش از این گفته بود ۷۰ درصد مشکلات تونس اگر با فساد مبارزه شود، حل می‌شود.

به طور کلی می‌توان گفت که تونس در بخش اقتصادی همچنان با مشکلات زیادی مواجه است که حل آن، نیازمند تلاش بیشتر مسئولان و مردم این کشور است (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶، کد خبر 82795421، www.irna.ir).

مردم مصر نیز بیش از پیش با مشکلات اقتصادی روبرو هستند و دغدغه معاش دارند (روزنامه همشهری، ۵ بهمن ۱۳۹۶، کد خبر ۵۲۷۲). در انقلاب مصر، به دلیل اوضاع بد اقتصادی و افزایش میزان بیکاری، شعارهای قبلی همچنان ادامه دارد به‌ویژه اینکه دولت مصر تلاش‌های خود را بر بازگردان امنیت در سایه اوضاع ناآرام منطقه، متمرکز کرده است (www.tasnimnews.com).

شاخصه‌های اقتصادی صادرات و واردات کالا و خدمات، نرخ برابری دلار به پوند مصر، تورم، نرخ بیکاری، نرخ بهره سپرده‌گذاری، رشد سالانه تولید، ناخالص داخلی، امید به زندگی در بدو تولد، و نرخ بهره وام در مصر قبل و بعد از انقلاب (۲۰۰۶-۲۰۱۶م) این کشور به صورت نمودار به نمایش گذاشته شده است که در اکثر موارد با کاهش شاخصه‌های اقتصادی مواجه هستیم (www.tejaratefarda.com).



۲۲۱

پیش‌بینی
روابط بین‌الملل

آزمون‌پذیری نظریه
انقلاب جک
گلدستون با
انقلاب‌های تونس،
مصر

۶-۴. مشکلات دموکراسی

انقلاب‌ها به طور کلی دموکراسی و حقوق برابر برای همه، از جمله اقلیت‌های قومی و مذهبی و زنان را وعده می‌دهند. با این حال دموکراسی اغلب قربانی سوء مبارزه علیه نیروهای ضد انقلابی می‌شود. جنگ و حکومت ترور به هدایت کامل دولت مرکزی نیاز دارد و به نظامی سازی جامعه منجر می‌شود. بنابراین انقلاب‌ها به طور معمول به دیکتاتوری یا دولت تک منجر می‌شوند. همچنین انقلابی که به رهبری مردان انجام شده است به رغم نیت‌های خوب، بعید است شرایط زنان را بهبود دهد. از منظر گلدستون دموکراسی فقط در جوامع پسا انقلابی‌ای ظاهر می‌شود که با تهدیدات قوی ضد انقلاب داخلی روبرو نیستند، یا اینکه پس از این تهدیدها شکست خورده‌اند یا اینکه رهبران انقلابی به شدت به دموکراسی متعهد هستند. با این حال، پس از چندین دهه هم زمان با ظهور طبقات گسترده‌ای از قشر متوسط و حرفه‌ای در جامعه، حتی یک دولت انقلابی تک حزبی ممکن است با خواست‌های جدیدی برای دموکراسی تکثرگرا مواجه شود که وقتی دولت اولین بار قدرت را به دست گرفته بود سرکوب شده بودند (گلدستون، ۱۳۹۷: ۲۸۷).

انقلاب تونس دستاوردها و نتایج مثبت و خوبی در زمینه آزادی و دموکراسی به دنبال داشته است از جمله:

۱) یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این انقلاب، این بود که مردم اکنون می‌توانند نمایندگان خود را به صورت دمکراتیک و رقابت آزاد انتخاب کنند.

۲) پس از انقلاب، رسانه‌های این کشور آزادتر و متنوع‌تر شدند

۳) حق برگزاری راهپیمایی یکی از دستاوردهای انقلاب سال ۲۰۱۱ تونس است که شهروندان تونسی پس از این انقلاب، به دست آوردند

۴) حجاب زنان در دوران بورقیبه و بن علی بر اساس ماده ۱۰۸ قانون صادره در سال ۱۹۸۱، ممنوع بود اما پس از انقلاب تونس این قانون لغو شد و حجاب بخشی از آزادی‌های فردی برای زنان شد و به زنان حق داشتن حجاب بازگردانده شد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶، کد خبر 82795421، www.irna.ir). همچنین زنان در تونس علاوه بر نقش‌آفرینی سیاسی در دوران دیکتاتوری، از زمان انقلاب ۲۰۱۱ نیز تحولات ناشی از رقابت سکولارها و اسلام‌گرایان برای پی‌ریزی نظام جدید، حضوری فعال داشته و الگویی از مشارکت جنبش زنان در روند گذار سیاسی را به نمایش گذاشته‌اند (پاک‌نیا و طاهری، ۱۳۹۵: ۱).

اما شرایط سیاسی بعد از انقلاب مصر، به مراتب بحرانی‌تر از روزگار مبارک شد؛ با روی کار آمدن دیکتاتوری السیسی که به نظر می‌رسد بازگشت به همان وضعیت قبل از انقلاب بود. در این دوره رقبای سیاسی یکی بعد از دیگری یا بازداشت شده یا تحت فشارهای آشکار از رقابت با ژنرال کناره‌گیری کردند. اخوان المسلمین به عنوان اصلی‌ترین بدیل سیاسی مصر، برخلاف گذشته که سهم اندکی از قدرت در پارلمان را در اختیار داشت، به عنوان سازمانی تروریستی در این کشور به حساب آمد (روزنامه همشهری، ۵ بهمن ۱۳۹۶، کد خبر ۵۲۷۲). در نهایت فقط برخی از اهداف انقلاب مصر محقق شده و شعارهای اصلی شهروندان در جریان این انقلاب، همچنان ادامه دارد.

جدول شماره ۳. دستاوردهای انقلاب در کشورهای تونس و مصر (= ندارد؛ * = دارد)

دستاوردها انقلاب	اختیار دولتی قوی‌تر	غرور ملی	مشکلات رشد اقتصادی و نابرابری	مشکلات دموکراسی
تونس	-	-	*	*
مصر	-	-	*	*

نتیجه‌گیری

تطابق نظریه گلدستون با انقلاب‌های تونس و مصر نشان داد که این نظریه در موارد اعتراضات و بسیج مردمی، تضاد نخبگان، ضعف دولت، فشارهای بین-المللی، ائتلاف‌ها و مناقشات، ایدئولوژی و ملی‌گرایی با نظریه گلدستون همگراست، اما در هیچ کدام از این انقلاب‌ها جنگ و حکومت ترور روی نداد. در هر دو انقلاب تلاقی و ترکیب بحران دولت و نارضایتی‌های مردمی صحنه را برای انقلاب در هر دو کشور مهیا کرد و آسیب‌پذیری شدیدی در رژیم بن علی و حسنی مبارک ایجاد نمود. اما نه بن علی و نه حسنی مبارک، به نیاز متصور نخبگان و مردم و علی‌الخصوص جوانان برای اصلاحات پاسخ مثبت ندادند. همچنین تلاش‌های بن علی و حسنی مبارک برای اجتناب از انقلاب به وسیله اصلاحات و سرکوب وضعیت را بدتر کرد. به طوری که درخواست‌ها را در هر دو کشور برای تغییرات بیشتر تشویق کرد و خشم بیشتری را نسبت به رژیم‌های دیکتاتوری بن علی و حسنی مبارک به وجود آورد.

قدرت‌های خارجی در فرایند انقلاب تونس و مصر نقش قابل ملاحظه‌ای را ایفا نمودند، علی‌رغم همسویی و اتحاد رژیم‌های حسنی مبارک و بن علی با کشورهای غربی چون آمریکا و فرانسه، در آستانه هر دو انقلاب از حمایت آنان دست کشیدند و عملاً پذیرای تحولات این کشورها شدند. در هر دو انقلاب ایدئولوژی و ملی‌گرایی نقش کمتری نسبت به ایجاد یک حکومت دموکراتیک داشت که همه گروه‌ها در آن دخالت داشته باشند. استفاده از ایده‌آل‌های نظیر دموکراسی یا اعتقادات مذهبی، عاملی انسجام بخش را در هر دو انقلاب ایفا نمود و به نظر می‌رسد این انقلاب‌ها برای عدالت اجتماعی، عزت، حق کار و زندگی بدون ترس و فقر بوده است. در انقلاب تونس و مصر جوانان انقلابی، محرک و عامل اصلی انقلاب بودند و باعث اعتراضات و بسیج مردم با شبکه‌های اجتماعی شدند. در هر دو انقلاب تضاد بین ارتش و دستگاه حاکمه و پیوستن نیروهای نظامی و یا عدم دخالت در روند انقلاب باعث پیروزی انقلابیون شد. همچنین در

بخش دستاوردهای انقلاب به نظر می‌رسد که این انقلاب‌ها هیچ دولت قوی بعد از انقلاب برسر کار نیامد و غرور ملی شکل نگرفت. اما هر دو انقلاب با مشکلات سیاسی، اقتصادی و نابرابری زیادی مواجه شدند.

منابع

- احمدیان، حسن. (۱۳۹۰). انقلاب تونس؛ زمینه‌ها و پیامدها.
- احمدیان، حسن. (۱۳۹۰). چشم انداز تغییر رژیم در یمن: چشم اندازها و پیامدها.
- احمدیان، حسن. (۱۳۹۱). آینده سیاسی مصر در پرتو انتخابات پارلمانی <http://www.isrjournals.com>
- برینتون، کرین. (۱۳۶۶). *کالبد شکافی چهار انقلاب*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ چهارم، نشر نو.
- پاک‌نیا، محبوبه و بهرنگ طاهری. (۱۳۹۵). «روند سیاسی شدن مساله جنسیت در تونس و اثرات آن بر انقلاب ۲۰۱۱»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی-پژوهشی)*، سال پنجم، شماره (۲۰). زمستان، صص ۲۴-۱.
- پورسعید، فرزاد. (۱۳۹۰). «بررسی مقایسه‌ای انقلاب اسلامی ایران و انقلاب مصر»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال چهاردهم، شماره دوم، تابستان، شماره مسلسل ۵۲.
- حمیدی، صدیقه. (۱۳۹۰). *نقش شبکه‌های اجتماعی در انقلاب مصر*، جامعه المصطفی العالمیه.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران <http://www.irna.ir>.
- خبرگزاری فارس. (۱۳۹۱) تونس، تداوم بی‌ثباتی داخلی تا حمله به سفارت آمریکا: <http://www.farsnews.com>.
- خیرالدین، حسیب. (۲۰۱۶). «الدلالات الوطنیه لاعاده تمثال الحبيب بورقيبة الى موقعه السابق»، *مجله المستقبل العربی*، العدد ۴۴۸.
- روزنامه همشهری، ۵ بهمن ۱۳۹۶، کد خبر ۵۲۷۲

زاهد زاهدانی، سید سعید. (۱۳۹۲). «بررسی و نقد کتاب مطالعات نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۱۳، شماره ۴، زمستان، صص ۶۳-۸۹.

سردارنیا، خلیل‌الله، رضا عمویی. (۱۳۹۵). «بحران مشروعیت و ناکامی اسلام‌گرایان النهضه در تونس»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۵، شماره ۱۸، تابستان.

شحاته، دینا و مریم وحید. (۱۳۹۰). «عوامل دگرگونی در جهان عرب»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال دوازدهم، بهار.

الصوانی یوسف محمد و ریکاردو رینی لاریمونت. (۲۰۱۳). الربیع العربی الانتفاضه و الاصلاح و الثوره، بیروت: منتدى المعارف

طالبی، معصومه. (۱۳۹۱). بررسی تحلیلی رویدادهای سیاسی، اقتصادی - امنیتی تونس، دیپلماسی صلح عادلانه؛ مرکز مطالعات صلح.

عظیمی دولت ابادی، امیر. (۱۳۹۵). «انقلاب‌های عربی: مطالعه تطبیقی - تاریخی (دلالت‌های نظری در باب نظریه‌های متأثر از انقلاب اسلامی)»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره دهم، شماره ۱، بهار، صص ۱۶۲-۱۳۷.

گروه نویسندگان. (۱۳۹۳). مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه اسلام، چاپ اول، قم: انتشارات دارالاعلام لمدرسة اهل البيت (علیه السلام).

گلدستون، جک. (۱۳۸۵). مطالعات نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها، ترجمه محمد تقی دلفروز، چاپ اول، نشر کویر.

گلدستون، جک. (۱۳۹۷). «انقلاب»، ترجمه آسیه حایری یزدی، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲۶، بهار.

گلدستون، جک. (۱۳۹۷). «بازاندیشی در مورد انقلاب‌ها: ترکیب سرچشمه‌ها، فرایندها و برایندها»، ترجمه حمیرا مشیرزاده، **فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی**، دوره ۸، ش ۲۸، پاییز.

گلدستون، جک. (۱۳۹۶). **مقدمه‌ای بسیار کوتاه بر انقلاب‌ها**، ترجمه عباس حاتمی، چاپ اول، نشر کویر.

مرشدی‌زاد علی و سمیرا محمدی. (۱۳۹۷). «واکاوی دو انقلاب ایران و مصر در چشم اندازی مقایسه‌ای»، **فصلنامه علمی- پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی**، سال دوازدهم، شماره ۴۳ تابستان، صص ۷۲-۵۳.

مسعودنیا، حسین و ندا سعیدی حیزانی. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل سقوط رژیم حسنی مبارک و چشم انداز تحولات کشور مصر»، **فصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی**، سال ۸، ش ۱، بهار و تابستان.

نجات، سیدعلی. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل سرنگونی محمد مرسی و پیامدهای منطقه‌ای آن»، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، سال ۲۲، شماره ۲، صص ۱۳۴-۱۰۷.

نورمحمدی مرتضی، محمدی رقیه. (۱۳۹۲). «نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در انقلاب مصر»، **تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، بهار، دوره ۵، شماره ۱۴، صص ۱۶۲-۱۳۹.

نیاکویی، سیدامیر. (۱۳۹۱). **کالبد شکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب**، چاپ اول، نشر میزان.

هراتی، محمدجواد و محمود ظفری. (۱۳۹۲). «تفاوت نقش و جایگاه ارتش در فرآیند انقلاب اسلامی ایران و تحولات ۲۰۱۱ مصر»، **فصلنامه پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی**، شماره ۸.

هراتی، محمدجواد. (۱۳۹۶). **فرجام دو انقلاب (علل متفاوت شدن نتایج انقلاب‌های ایران و مصر)**، مرکز نشر دانشگاه بوعلی.

www.tejaratefarda.com

Lynch, Marc. (2011). "America and Egypt After uprising", Survival, Vol. 53, no.2, pp. 31-42.

Achy, Lahcen. (2011). Tunisia's Economic Challenges. Carnegie Endowment for International Peace.
<http://www.ciaonet.org.ezproxy.lib.ucf.edu/wps/ceip/0023949/>

Blaydes, Lisa. (2011). Elections and Distributive

FUHRER N . ROBERT. THE ARAB SPRING IN NORTH AFRICA: A COMPARATIVE STUDY OF KEY FACTORS AND ACTORS. Bachelor of Arts in Political Science University of Central Florida, 2008. A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Arts in the Department of Political Science in the College of Sciences at the University of Central Florida Orlando, Florida Fall Term 2012.

Goldston, Jack A. (May/June 2011a). Understanding the Revolution of 2011. <http://www.foreignaffair.com/articles/97964/Jack-a-goldstone/understanding-the-revolution-of-2011>.

Goldstone, J.A. (2011b). Cross-class coalitions and the making of the Arab Revolts of 2011. Swiss Political Science Review, 17(4), pp. 457-463.

Goldstone, Jack. (2001). "Toward a fourth generation of revolutionary theory", Annual Review of Political Science, Vol 4: 139-187.

Lynch, Marc. (June 29, 2011). Tunisia's new al nahda. Foreign policy. <http://lynch.foreignpolicy.com/posts/2011/06/29/tunisias-new-al-nahda>.

New York Times: May, 10, 2011.

Osman Tarek. (2010). Egypt on the Brink from Nasser to Mubarak, Yale University press.

Panos Mourdoukoutas. (2017). 'Arab Spring' In Vain: Tunisia And Egypt Remain Corrupt, www.forbes.com.

Penner, Angrist, Michele. (January 16, 2011). Morning in Tunisia. <http://www.foreignaffair.com/articles/67321/michell-penner-angrist-in-tunisia>

Revolution in Egypt. (2012). Los Angeles Times (June 19). <http://timelines.latimes.com/egypt/>. (accessed September 16, 2012).

Ryan, Yasmine. 2011. How Tunisia's revolution began. Aljazeera (January 26).

- <http://www.aljazeera.com/indepth/features/2011/01/2011126121815985483.html>. (accessed September 15, 2012).
- Thomas Schiller. (2011). TUNISIA – A REVOLUTION AND ITS CONSEQUENCES KAS INTERNATIONAL REPORTS.
- Thorne, John. (2011). Pre-revolution Tunisians were growing gloomier, poll shows. The National (June 27). <http://www.thenational.ae/news/world/africa/pre-revolution-tunisians-were-growing-gloomier-pollshows>. (accessed September 15, 2012).
- Tradingeconomics.com.
- Tunisian Economy. (2012). The CIA World Factbook <https://www.cia.gov/library/publications/the-worldfactbook/geos/ts.html> (accessed October 25, 2012).

۲۲۸



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دهم، شماره

اول، شماره پیاپی

سی و شش

بهار ۱۳۹۹